



بیمه توقف تولید

• دکتر غلامحسین جباری

نوع جدیدی از بیمه که تحت عنوان «بیمه توقف تولید» از آن بحث خواهیم کرد، در کشورهای صنعتی و حتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، متداول و در حال گسترش است. این نوع بیمه متأسفانه در کشور ما برای بیمه‌گذاران و حتی بعضی بیمه‌گران ناشناخته است. حال آنکه توسعه اقتصاد در بخش خصوصی به بیمه‌هایی از این قبیل و هم چنین بیمه مسئولیت - که می‌تواند موضوع مباحث مستقلی باشد - نیازمند است.

معمولاً در متن قراردادهای بیمه واحدهای بزرگ در کشورهای صنعتی، سه بخش جداگانه ملاحظه می‌شود که عبارتند از:

- ۱ - خسارت‌های وارد به دارایی‌های بیمه‌گذار (PHYSICAL DAMAGE)
- ۲ - مسئولیت در مقابل اشخاص ثالث (THIRD PARTY LIABILITY)
- ۳ - خسارت ناشی از توقف تولید (BUSINESS INTERRUPTION)

در کشور ما بیمه‌نامه‌های صنعتی شامل همان بخش اول است که خسارت‌های مستقیم وارد به اموال بیمه‌گذار، اعم از ساختمان و ماشین آلات و مواد (مواد اولیه،

کالاهای در حال ساخت، کالاهای ساخته شده) و سایر دارایی‌های موجود در محل کارخانه را تحت پوشش قرار می‌دهد. در زمینه بیمه مسئولیت نمونه‌هایی از آن وجود دارد که خارج از بیمه‌نامه اصلی و به صورت قرارداد مستقل تنظیم می‌شود و در مراحل اولیه توسعه و تحول است. ناگفته نماند که مسئولیت و بیمه مسئولیت مقوله‌ای است که وابستگی بسیار به اصول و ضوابط حقوقی حاکم بر جامعه دارد و توسعه آن نیز در گرو تحولی در این زمینه است. ولی در بیمه توقف تولید، سابقه چندانی در کشور ما وجود ندارد، مگر چند مورد بیمه‌نامه که قبل از پیروزی انقلاب توسط برخی از شرکتهای خصوصی آن هم برای شرکتهای با شریک خارجی صادر شد.

قبل از ورود به بحث شایسته است به عنوان مقدمه متذکر شویم که بعضی از صاحب‌نظران بیمه توقف تولید را نوعی از بیمه عدم‌النفع (LOSS OF PROFIT INSURANCE) تلقی می‌کنند و در عین حال پرداخت خسارت بابت منافع از دست رفته را معقول نمی‌دانند. این گروه معتقدند

که خسارت‌های مربوط به مواد اولیه در کارخانه‌ها و یا موجودی کالاهای یک انبار و یا فروشگاه بایستی براساس قیمت خرید آن‌ها پرداخت شود، نه بر مبنای ارزش روز آنها. بدیهی است با چنین روشی بیمه‌گذار به پوشش کافی که خسارات واقعی او را جبران کند، دست نخواهد یافت. به هر حال بیمه موضوع بحث ما بیمه عدم‌النفع نیست؛ گرچه ممکن است پوشش عدم‌النفع نیز جزئی از آن باشد. نام این بیمه به زبان‌های انگلیسی و فرانسه عبارت است از (BUSINESS INTERRUPTION) و (PERTE D' EXPLOITATION) که اولی به معنای قطع کارکرد و دومی به معنای زیان بهره‌برداری می‌باشد و تقریباً به همان مفهومی است که ما آن را بیمه توقف تولید می‌نامیم.

در بیمه‌نامه‌های ساده از نوع اول، بیمه‌گر متعهد می‌شود که تقلیل ارزش حاصل در دارایی‌ها را پس از وقوع حوادث بیمه‌شده جبران کند. به عبارت دیگر وضعیت مالی بیمه‌گذار به همان صورت قبل از حادثه درآید. حوادث مشمول بیمه که معمولاً با عنوان بیمه آتش‌سوزی تحت پوشش قرار



می‌گیرند، عبارتند از: آتش سوزی، انفجار، صاعقه، سیل، زلزله، طوفان، سقوط هواپیما و بعضی حوادث دیگر. در بعضی از بیمه‌نامه‌ها خسارت‌های ناشی از شکست ماشین نیز تحت پوشش قرار می‌گیرد. با استفاده از این بیمه‌نامه‌ها بیمه‌گذاران می‌توانند مال بیمه شده خود مثل خانه، اتومبیل، مال‌التجاره و نظایر آنها را جبران نمایند. می‌توان گفت در صورتی که مبلغ بیمه کافی باشد و فرانشیز اعمال نشود، بعد از حادثه بیمه‌گذار از لحاظ موقعیت مالی کاملاً به حالت اولیه باز می‌گردد. ولی اگر موضوع بیمه یک مؤسسه تولیدی باشد، پرداخت مبلغی معادل ارزش اموال از دست رفته زیان واقعی بیمه‌گذار را جبران نمی‌کند. زیرا بیمه‌گذار در مدت زمانی کوتاه یا طولانی، تمام یا قسمتی از تولید خود را از دست می‌دهد و در این مدت نه تنها از سود متعارف فعالیت خود محروم می‌شود، بلکه هزینه‌های گوناگون تولید از جمله دست‌مزد کارگران و کارمندان، هزینه‌های آب، برق، گاز، تلفن، کرایه انبار و محل کار، استهلاک ماشین‌آلات و ابزار کار و بهره تسهیلات اعتباری را متحمل می‌شود. این هزینه‌ها درپاره‌ای موارد به همان میزان زمان فعالیت عادی و گاهی نیز کمتر از آن است ولی به‌هر حال، جمع آن ارقام سنگینی را تشکیل می‌دهد و ممکن است به حد خارج از تحمل بیمه‌گذار برسد. به این معنی که دیگر قادر به ارایه فعالیت خود نشود. در مواردی نیز تعطیل موقت تولید موجب از دست دادن مشتری می‌شود. زیرا ممکن است بعضی مشتریان به رقیب‌های بیمه‌گذار مراجعه کنند و یا مصرف‌کنندگان، کالای جانشینی را انتخاب نمایند. در بعضی قراردادهای فروش، تولیدکنندگان ملزم به پرداخت جریمه در صورت تأخیر و یا خودداری از تحویل کالای مورد معامله هستند. در مورد

واحدهای تولیدی کوچک، اهمیت مسأله کاملاً محسوس نیست و توقف و یا تعطیل یک یا چند واحد تولیدی کوچک از لحاظ وضعیت بازار و اقتصاد کشور بی‌اهمیت است. ولی در مورد واحدهای صنعتی بزرگ به‌خصوص اگر محصول کارخانه مواد مصرفی ضروری و عمده جامعه باشد، اهمیت مطلب بسیار و نگرانی حاصل از آن شدید است. مثلاً توقف تولید در کارخانه‌های بزرگ داروسازی، خودروسازی، پالایشگاه، پتروشیمی و نظایر آنها می‌تواند مشکلات عمده‌ای در

کارخانه را به طور کلی متوقف سازد و یا آن را به میزان محسوس کاهش دهد. زیان حاصل از توقف تولید می‌تواند چندین برابر ارزش تأسیساتی باشد که صدمه دیده است. برای مثال اتاق رنگ در یک کارخانه خودروسازی کمتر از یک درصد سایر تأسیسات ارزش دارد، اما از کار افتادن اتاق رنگ موجب توقف تولید تا زمان تعمیر آن و یا احداث یک اتاق رنگ دیگر می‌شود. مثال ساده دیگر این‌که، سوختن دستگاه‌های مربوط به بسته‌بندی داروها که ارزش چندانی ندارد، مانع از عرضه دارو به بازار



خواهد شد و زیان سنگینی را به بار می‌آورد. در مؤسساتی که مدیریت آن‌ها به عهده مالکین و سهامداران عمده است، تصمیم‌گیری درباره بیمه اموال مؤسسه در اختیار مدیران است. اگر مؤسسه‌ای فاقد پوشش بیمه‌ای باشد و دستخوش خسارت گردد، مدیر مؤسسه که خود مالک آن است متضرر و مورد اعتراض دیگران واقع می‌شود. اما در واحدهای اقتصادی بزرگ که سهامداران متعدد هستند و مدیران آنها فقط رابطه استخدامی با مؤسسه دارند، در نفع و زیان آن شریک نیستند. در این حالت مدیران در مقابل صاحبان سهام نقش امین را دارند و اموال اشخاص به عنوان امانت

سطح کلان اقتصادی کشور به وجود آورد. مسأله مهم‌تر اینکه بسیاری از واحدهای بزرگ تولیدی به صورت شرکت سهامی عام اداره می‌شوند و دارایی‌های آن متعلق به هزارها و ده‌ها هزار سهامدار است. توقف تولید موجب زیان شرکت و تنزل سهام آن در بورس می‌شود و موجب نارضایتی سهامداران و حتی نگرانی مسئولین و فعالین در بورس اوراق بهادار خواهد شد. گاهی بر اثر حادثه بخش کوچکی از تأسیسات کارخانه - که ممکن است ارزش آن فقط پنج درصد ارزش کل دارایی باشد - آسیب می‌بیند. ولی از کار افتادن همین بخش کوچک ممکن است تولید

نزد آنهاست. لذا وظیفه دارند در حد متعارف در حفظ آن اموال کوشش و مراقبت کنند. بنابراین خودداری از تحصیل پوشش بیمه‌ای که موجب زیان صاحبان سهام شود؛ کوتاهی و غفلت در امانت است از این رو مدیر مؤسسه حق ندارد از تحصیل بیمه آنهم بیمه به صورت کامل و کافی خودداری کند.

بیمه توقف تولید که در حال حاضر برای مدیران واحدهای تولیدی اعم از دولتی و خصوصی و تعاونی ناشناخته است، در تداوم فعالیت‌های اقتصادی کشور اهمیت بسیار دارد. به نظر می‌رسد با توجه به روند رو به رشد فعالیت‌های صنعتی و به‌خصوص با جدی شدن خصوصی‌سازی، زمینه برای توجیه این نوع بیمه فراهم شود و در آینده پوشش بیمه توقف تولید بخشی از شرایط عمومی بیمه نامه‌های آتش‌سوزی را تشکیل دهد. در اینجا فقط به برخی مسایل فنی مربوط به این نوع بیمه در نهایت اختصار و سادگی اشاره می‌شود. امید است که این نوع بیمه موضوع مقالات متعدد در نشریات بیمه‌ای کشور باشد تا جنبه‌های مختلف آن برای بیمه‌گذاران و متصدیان امر در واحدهای صدور شرکت‌های بیمه تشریح گردد. ناگفته نماند که متأسفانه در حال حاضر منابع مطالعه به زبان فارسی وجود ندارد و یا از آن اطلاع نداریم بعضی از مسایل فنی که می‌توان به آن اشاره کرد عبارتند از:

۱- نرخ حق بیمه

می‌دانیم که نرخ حق بیمه برای پوشش‌های عادی مؤسسات تولیدی بر حسب خطرهای مورد پوشش و نوع تولید و اهمیت مواد اولیه و وسایل و ماشین‌آلات تولید متفاوت است. ولی در هر صورت نرخ بیمه توقف تولید ضریبی از نرخ اصلی بیمه می‌باشد. این ضریب معمولاً بین ۱۰۰

تا ۱۵۰ درصد حق بیمه اصلی است. در صورتی که ماشین‌آلات تولید از انواع پیشرفته باشند و تهیه و نصب آن‌ها مستلزم زمانی طولانی باشد، نرخ حق بیمه بیشتر است. همچنین اگر خط تولید دارای مراحل مختلف باشد، به طوری که از کارافتادن یک دستگاه موجب تعطیل شدن کار دستگاه‌های دیگر شود، نرخ حق بیمه سنگین‌تر خواهد بود. در کارگاه‌های کوچک و یا کارخانه‌هایی که دارای خط تولید موازی باشند (مثل ریسنجی) به طوری که با تعطیل بخشی از کارخانه بخش‌های دیگر به کار خود ادامه دهند، نرخ مناسب‌تری معین می‌شود. به هر حال حق بیمه متناسب است با ارزیابی مدت زمانی که صرف تعمیر و یا خرید و نصب دستگاه‌های از کارافتاده می‌شود. در مواردی تهیه یک دستگاه مستلزم سفارش ساخت به کارخانه سازنده در یک کشور خارجی است که در این صورت تهیه و حمل آن تشریفات طولانی دارد.

۲- مدت پوشش

در قرارداد بیمه حداکثر مدت توقف تولید که جبران زیان آن به عهده بیمه‌گر است، معین می‌شود. در مواردی مدت معمول برای نصب در راه‌اندازی مجدد دستگاه‌ها و تجدید فعالیت تولید بیش از یک‌سال زمان می‌برد. در موارد دیگر به لحاظ سادگی و سایر تولید راه‌اندازی مجدد از چند ماه تجاوز نمی‌کند. به هر حال در قرارداد، حداکثر این مدت مشخص می‌شود که معمولاً یکسال است. در موارد استثنایی ممکن است به دو سال نیز برسد. غالباً از کارافتادگی‌های جزئی دستگاه‌ها که موجب توقف یک یا دو هفته در تولید شود، مشمول تعهد بیمه‌گر نمی‌شود، به عبارت دیگر معمولاً یک فرانشیز ۷ یا ۱۴ روزه برای توقف تولید منظور می‌گردد.

بدیهی است بیمه‌گذار می‌بایستی در راه‌اندازی مجدد تولید حداکثر کوشش متعارف را به عمل بیاورد.

۳- زیان توقف تولید

توقف تولید موجب کاهش میزان تولید نسبت به کارکرد سال قبل یا نسبت به برنامه‌های تنظیم شده برای سال جاری می‌گردد. در هر مؤسسه تولیدی سود حاصل از فعالیت عبارت است از: مبلغ کل فروش منهای هزینه‌های متغیر (مواد اولیه) و هزینه‌های ثابت (حقوق و دستمزد و مصارف ثابت دیگر) مثلاً اگر رقم فروش ۱۰۰ میلیون و هزینه‌های متغیر ۷۰ میلیون و هزینه‌های ثابت ۲۰ میلیون باشد، سود تولید رقم ۱۰ میلیون خواهد بود ($100 - 70 - 20 = 10$). حال اگر در اثر یک حادثه برای بیمه‌شده، رقم کل فروش به ۶۰ میلیون تقلیل یابد، گرچه هزینه متغیر بیش از ۴۲ میلیون نخواهد بود ولی هزینه ثابت در همان حد ۲۰ میلیون باقی می‌ماند و لذا نتیجه فعالیت سالانه برای بیمه‌گذار ۲ میلیون ریال خواهد بود، یعنی ($2 = 60 - 42 - 20$) بنابراین تعهد بیمه‌گر پرداخت ۱۲ میلیون خسارت است که هم هزینه‌های ثابت بیمه‌گذار را تأمین می‌کند و هم سودی را که در صورت عدم وقوع حادثه به دست می‌آورد.

در پایان لازم یادآوری است که تنظیم یک قرارداد بیمه توقف تولید، مستلزم داشتن اطلاعات دقیق از وضع حساب‌های بیمه‌گذار است و در صورتی می‌توان چنین بیمه‌نامه‌ای را تنظیم کرد که بیمه‌گذار جزئیات اطلاعات مالی مورد نیاز را در اختیار بیمه‌گر بگذارد.

آنچه ذکر شد مختصری بود از یک نوع بیمه جدید که مسایل فنی پیچیده‌ای دارد و آشنایی بیشتر با آن مستلزم توضیحات دقیق‌تر و مفصل‌تر می‌باشد.

